فصل‌نامه راهبردهای آموزش
دوره ۵، شماره ۱، بهار ۱۳۹۱
صفحات: ۳۷-۳۱

Iranian Quarterly of Education Strategies
Vol. 5, No. 1, Spring 2012
Pages: 31-37

پژوهشی

تاثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان

عباس شکاری* *MSc*

*گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

چکیده

اهداف: از جمله روش‌های فعالی که امروزه توجه صاحب‌نظران تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است، یادگیری مشارکتی است. پژوهش حاضر به‌منظور بررسی دقیق‌تر تاثیر یادگیری مشارکتی از طریق آموختن با هم بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان، طراحی و اجرا شد.

روش‌ها: این مطالعه شبه‌تجربی در جامعه دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های شهر کاشان در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ انجام شد. ۵۰ دانش‌آموز از دو کلاس یک مدرسه با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. در گروه آزمایش از روش یادگیری مشارکتی و در گروه کنترل از روش سنتی استفاده شد. پیش‌آزمون قبل از اعمال متغیرهای مداخله و پس‌آزمون پس از اعمال آزمایشی و پیگیری نیز ۴۵ روز پس از اعمال مداخلات انجام شد. برای جمع‌آوری داده از آزمون رشد مهارت‌های اجتماعی *ماتسون* استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر به‌کمک نرم‌افزار SPSS 16 استفاده شد.

یافته‌ها: میانگین نمرات گروه آزمایش تفاوت معنی‌داری بین پس‌آزمون و پیگیری با پیش‌آزمون (p=۰/۰۰۰۱) و همچنین با گروه کنترل (p=۰/۰۰۰۱) نشان داد. بین دو گروه در رشد مهارت‌های اجتماعی مناسب، کاهش پرخاشگری و رفتارهای تکانشی، کاهش رفتارهای غیراجتماعی، کاهش میزان غرور و کاهش حسادت و گوشه‌گیری تفاوت معنی‌دار وجود داشت (p=۰/۰۰۰۱).

نتیجه‌گیری: روش یادگیری مشارکتی نسبت به روش‌های سنتی تدریس در رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان موثرتر است.

کلیدواژه‌ها: یادگیری مشارکتی، آموزش آموختن با هم، مهارت‌های اجتماعی، روش‌های سنتی یادگیری

Effects of cooperative learning on the development of students' social skills

Shekarey A.* *MSc*

*Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities, Kashan University, Kashan, Iran

Abstract

Aims: Cooperative learning is an active learning method that has attracted the attention of educationalists. The purpose of this study was to examine the effects of cooperative learning through small group learning on the development of students' social skills.

Methods: This quasi-experimental study was carried out on male high school students of Kashan during 2009-10. 50 students were randomly selected from two of the 2nd grade classes of a high school in Kashan. The experimental group was taught using cooperative learning techniques, whereas the control group continued in their ordinary traditional method. Pretest was carried out before the intervention and post-test was carried out after implementing the experiment. Follow up was done 45 days after intervention. Data were collected through the *Matson* Evaluation of Social Skills and were analyzed by descriptive statistical methods and variance analysis with repeated measurements using SPSS 16 software.

Results: The mean scores of the experimental group showed significant difference between the pretest and post-test (p=0.0001) and also had significant difference with the control group (p=0.0001). There was also difference between the social skills of the two studied groups including the reduction of aggressiveness, impulsivity, dissocial behaviors, pride, jealousy and isolation (p=0.0001).

Conclusion: Cooperative learning method is more effective in the development of students' social skills compared to traditional learning methods.

Keywords: Cooperative Learning, Small Group Learning, Social Skills, Traditional Learning Methods

نویسنده مسئول: عباس شکاری. تمام درخواست‌ها باید به نشانی abbasshekari45@gmail.com فرستاده شوند.

دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۵/۱۷ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۲۰

[Downloaded from edcbmj.ir on 2026-11-14]

مقدمه

در نظام آموزشی ایران، معلمان با تکیه بر روش‌های سنتی به‌ویژه سخنرانی، شاگردان را به حفظ و تکرار مفاهیم علمی ترغیب می‌کنند و علی‌رغم این‌که در محافل علمی و تربیتی و حتی اجرایی، صحبت از فعال‌بودن شاگردان، رشد فکری و آزاداندیشی می‌شود، اما عملاً چنین نظرگاه‌هایی جنبه شعارگونه به خود گرفته، از تقویت روحیه همکاری و رفاقت در بین شاگردان و رشد اجتماعی آنان صحبت می‌شود. اما در عمل نه‌تنها گام موثری در این راستا برداشته نمی‌شود، بلکه اغلب اوقات همکاری و رفاقت به نوعی رقابت تبدیل شده که نتیجه آن افزایش حس حسادت، کینه‌توزی و دشمنی در بین دانش‌آموزان است. سبک غالب در اکثر آموزش‌های کلاس سنتی است به این معنا که شاگردان در زمینه یادگیری مفاهیم درسی کمتر با موقعیت‌های چالش‌آور مواجه می‌شوند، فرصت‌های کمتری برای تعامل، همفکری، همکاری و بحث و گفتگوی معلم با شاگردان و شاگردان با یکدیگر فراهم می‌شود، دانش‌آموزان به یادگیری طوطی‌وار ترغیب می‌شوند، رقابت جایگزین همکاری می‌شود و احتمال خطر جمع‌گریزی در بین شاگردان افزایش می‌یابد.

در روش‌های سنتی معلمان اغلب گوینده بوده و از دانش‌آموزان انتظار دارند که به صحبت‌های آنان گوش دهند. بحث گروهی جایگاه چندانی در کلاس درس ندارد و اگر سئوال پرسیده شود، موجب وادارکردن دانش‌آموزان به تفکر مطالب درسی نمی‌شود، بلکه بیشتر هدف این است که دانش‌آموزان از این طریق برای امتحان آماده شوند. *تیواری* معتقد است از دید کارشناسان تعلیم و تربیت، دانش‌آموزانی که از طریق یادگیری فعال به یادگیری می‌پردازند، نه‌تنها بهتر فرا می‌گیرند، بلکه از یادگیری لذت بیشتری هم می‌برند. زیرا آنها به جای این که شنونده صرف باشند، فعالانه در جریان یادگیری مشارکت می‌کنند و خود را مسئول یادگیری خویش می‌دانند [۱]. *شفر* می‌گوید، ازجمله روش‌های فعالی که امروزی توجه صاحب‌نظران تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است، یادگیری مشارکتی است. شواهد پژوهشی نشان می‌دهد بیشتر مسایلی که در روش سنتی و غیرفعال به چشم می‌خورد، در رویکرد مشارکتی به حداقل می‌رسد [۲].

به‌طور نمونه نتایج مطالعه‌ای که در خصوص مقایسه روش یادگیری مشارکتی و سنتی انجام شد نشان داد که یادگیری مشارکتی، عزت نفس، میزان تمرکز روی تکالیف، لذت‌بردن از کلاس و مدرسه و عشق به یادگیری را افزایش و وابستگی به معلم را کاهش می‌دهد [۳]. در مطالعه *تیلستون* تحت عنوان تاثیر سه رویکرد یادگیری مشارکتی سازمان‌یافته، یادگیری مشارکتی غیرسازمان‌یافته و یادگیری انفرادی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره ابتدایی، مشخص شد که در شرایط مشارکتی سازمان‌یافته، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ۵۰٪ بیشتر از شرایط انفرادی است [۴].

مطالعه *آنویوبازی* نیز نشان داد دانش‌آموزانی که در گروه‌های یادگیری مشارکتی به یادگیری می‌پردازند، نسبت به کسانی که به‌طور انفرادی یاد می‌گیرند، پیشرفت تحصیلی و احساس مسئولیت بیشتری دارند و نسبت به مدرسه نگرش مثبتی پیدا می‌کنند [۵] و به نظر *فضلی‌خوانی* منفعل‌بودن شاگردان را می‌توان با استفاده از روش‌های آموزشی موثر کاهش داد [۶]. یافته‌های پژوهش او نشان داد که یادگیری مشارکتی در تحریک شاگردان برای بحث و گفتگو پیرامون مسایل ریاضی نقش مهمی را ایفا می‌کند، البته به شرط این‌که هنگام اجرای این روش معلم از آمادگی لازم برخوردار باشد و بتواند کیفیت تعاملات دانش‌آموزان با یکدیگر را بهبود بخشد. در روش یادگیری مشارکتی، وابستگی بین فردی، تعامل افزایشی صورت به صورت و مسئولیت فردی وجود دارد و اعضا را موظف می‌کند که نسبت به یادگیری همدیگر حساس باشند و مراقب یادگیری یکدیگر باشند تا گروه بتواند موفق شود. و نیز *جانسون* و *جانسون* [۷] و *اسلاوین* [۸] می‌گویند که وقتی موفقیت دانش‌آموزان به کمک و مشارکت سایر اعضای گروه وابسته است، بیشتر به‌صورت مشارکتی فعالیت می‌کنند، این مشارکت در فعالیت‌ها می‌تواند منجر به رشد اجتماعی دانش‌آموزان شود، چرا که یکی از مولفه‌های رشد اجتماعی، مدرسه و نحوه یادگیری دانش‌آموزان است.

در مورد رشد اجتماعی و نسبت آن با سن فرد می‌توان گفت که بلوغ اجتماعی یک پدیده مربوط به رشد است و با افزایش سن فزونی می‌یابد، به‌طوری که می‌توان گفت همچنان که کودکان بزرگ می‌شوند در تنظیم رفتار خود به نحوی هماهنگ با انتظارات جامعه‌ای که زندگی می‌کنند، توانایی بیشتری می‌یابند. کودکان می‌آموزند که معیارهای جامعه خود را بپذیرند، سایق‌های خود را از راه‌هایی که از لحاظ اجتماعی قابل قبول است، بیان یا سرکوب نمایند. نیازهای دیگران را در نظر داشته باشند، اظهار همدردی نمایند، به خاطر دیگران از منافع شخصی خود چشم‌پوشی کنند و برای به‌دست‌آوردن هدفی مهم‌تر، از لذت فوری چشم‌پوشی کنند، *تاجیک* [۹]. *اسلاوین* [۱۰] به شواهدی اشاره کرده است که نشان می‌دهد روش یادگیری مشارکتی روابط میان دانش‌آموزان نژادهای مختلف را در کلاس‌های مختلف بهبود می‌بخشد. درخصوص تاریخچه یادگیری مشارکتی از طریق آموختن با هم باید اذعان داشت، ایده کلی روش یادگیری مشارکتی سابقه‌ای طولانی دارد، اما توسعه برنامه‌های آموزشی و پژوهش‌مداری که یادگیری مشارکتی از طریق آموختن با هم را در برنامه‌ریزی، مورد آزمون قرار داده است، تقریباً از اوایل ۱۹۷۰ شروع شده است.

این رویکرد حاصل اندیشه نظریه‌پردازان و محققانی مانند *زارعی*، *شکاری* و *علمی* علاقمند بودند بدانند که چگونه دانش‌آموزان از تجربه یاد می‌گیرند. آنها با این اندیشه که دانش‌آموزان باید منفعل و تحت تسلط معلم باشند، شدیداً مخالف بودند [۱۱]. یکی از مهم‌ترین اصل معرفی‌شده از طرف این دسته از صاحب‌نظران این است که تجربه

[Downloaded from edcbmj.ir on 2026-11-14]

بیشترین نقش را در فرآیند یادگیری دارد، به شرطی که همراه با تجزیه و تحلیل منظم و منطقی باشد. از نظر *گیلز* روش یادگیری مشارکتی روشی است که در آن دانش‌آموزان به‌منظور تسلط بر محتوا و مواد آموزشی به‌صورت گروهی کار می‌کنند. به‌علاوه اعضای هر گروه از دانش‌آموزان با موفقیت تحصیلی بالا و متوسط و پایین تشکیل شده است و اعضای هر گروه از نژادها، فرهنگ‌ها و جنسیت‌های مختلف دانش‌آموزی است و نظام پاداش به جای فردمدار، گروه‌مدار است [۱۲].

مجموعه شرایط و امکانات زمانی و مکانی معین برای تسهیل در فرآیند یاددهی- یادگیری را محیط یادگیری می‌نامیم، *شکاری* [۱۳]. قبل از آن‌که بحث محیط یادگیری مشارکتی ارایه شود، لازم است محیط‌های دیگر یادگیری مانند محیط یادگیری مثبت *کارتج* و *میلبرن* که در مدارس به چشم می‌خورد، توضیح و تبیین شود تا تفاوت بین این رویکردها و رویکرد یادگیری مشارکتی مشخص شود که این خود به درک و فهم محیط یادگیری مشارکتی از طریق آموختن با هم کمک می‌کند [۱۴]. با توجه به نگرش معلمان و دانش‌آموزان، انواع محیط‌های یادگیری به چشم می‌خورد که در هر کدام از این رویکردها، نگرش‌های متفاوتی از نقش معلم و دانش‌آموز وجود دارد. به اعتقاد *الیس* و *والن* [۱۵] آشناترین و متداول‌ترین محیط، محیط رقابتی است که در این محیط سئوالات زیر برای شاگردان مطرح می‌شود: "امسال چه کسی شاگرد اول خواهد شد؟" یا "اگر بخواهم شاگرد اول بشوم، چه کسی را باید زمین بزنم؟" شعار یک کلاس رقابتی این است: "اگر تو ببری، من می‌بازم یا اگر من ببرم تو می‌بازی." در این رویکرد دانش‌آموزان برای یافتن بهترین فرد با هم رقابت می‌کنند. دانش‌آموزان در این کلاس به خاطر نمره، تحسین، مورد توجه معلم قرارگرفتن، دریافت جایزه و غیره با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. در چنین محیطی شاگردان یکدیگر را در سد راه خود می‌دانند. بسیاری از دانش‌آموزان به کلاس می‌آیند تا خود را بازنده ببینند و در بازی آموزشی شرکت نمی‌کنند. در چنین محیطی حتی برنده‌ها هم آسیب می‌بینند.

در محیط انفرادی هریک از دانش‌آموزان با بقیه تفاوت دارند و موفقیت یا شکست آنها ارتباطی با دیگران ندارد. در نتیجه دانش‌آموز، خود مسئول یادگیری خویش است. این‌گونه دانش‌آموزان مشکل ارتباطی پیدا می‌کنند و با هنجارهای حاکم بر جامعه همسان نخواهند بود. اغلب آنها گوشه‌گیر و کمرو هستند و گاه به افسردگی دچار می‌شوند. در این کلاس، روش‌های تدریس غیرفعال و سنتی، امکان هم‌اندیشی برای دانش‌آموزان به‌وجود نمی‌آورد. این رویکرد، رویکردی است که در آن تاکید روی فرد دانش‌آموز است که تا رسیدن به هدف تلاش بکند، بدون آن‌که توجهی به دانش‌آموزان دیگر داشته باشد، *جانسون* و *جانسون* [۱۶]. همان‌طور که *پیاژه* نشان داده است، بیشتر آموخته‌های مهم حاصل تعامل با دیگران است. اگر دانش‌آموزان در مورد یک کتاب، یک تکلیف و یا یک مساله فقط نظرات، واکنش‌ها و پرسش‌های خود را داشته باشند، یادگیری آنان به اندازه زمانی که به نظرات دیگران دسترسی داشته باشند، پربار نخواهد بود. به‌علاوه کار انفرادی اغلب در تنهایی انجام می‌شود و نهایتاً خسته‌کننده است [۱۵]. به اعتقاد *جانسون* و همکاران [۱۶] یادگیری چیزی است که شاگردان انجام می‌دهند، نه چیزی که برای شاگردان انجام می‌شود. بنابراین یادگیری مشارکتی مستلزم مشارکت فعال و مستقیم دانش‌آموزان است. همانند کوهنوردان، دانش‌آموزان زمانی به قله می‌رسند که جزیی از تیم مشارکتی باشند. در این محیط دانش‌آموزان از طریق همکاری و مشارکت و در قالب گروه‌ها به یادگیری می‌رسند و در قبال یادگیری دیگران احساس مسئولیت می‌نمایند. زمانی که همکلاسان‌شان نیاز به کمک داشته باشند، به کمک آنها می‌شتابند و موفقیت دیگران موفقیت آنها و شکست دیگران شکست آنها محسوب می‌شود. این رویکرد موجب یادگیری عمیق‌تر و خلاقیت و نوآوری بیشتر شاگردان می‌شود [۲]. شعار یک کلاس همیاری این است: "یا همه نجات می‌یابیم، یا همه غرق می‌شویم" در کلاس همیاری دانش‌آموزان به جای این که معلم را محور اصلی بدانند، به همکلاسی‌های خود به‌عنوان مرجع باارزش و مهم نگاه می‌کنند [۱۵]. *هیرست* و *اسلاویک* معتقدند در موقعیت‌های رقابتی و انفرادی، معلم سعی می‌کند که دانش‌آموزان را از همدیگر دور کند: "کپی نکنید، در مورد همکلاسان‌تان نگران نباشید، تکالیف خودتان را انجام دهید، میز خودتان را انتقال دهید" این‌ها اصطلاحاتی هستند که به‌طور معمول به گوش می‌رسند [۱۷]. در حالی که یادگیری مشارکتی به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد که اهداف مشترک‌شان را توسعه دهند. همچنین *شاران* [۱۸] و *هیرست* و *اسلاویک* [۱۷] به نقل از *جانسون* و *جانسون* [۱۶] درخصوص تفاوت گروه‌های مشارکتی با گروه‌های معمولی کلاس بیان می‌کنند که یک گروه مشارکتی، ۲ تا ۵ نفر عضو دارد که برای رسیدن به یک هدف مشترک با یکدیگر کار می‌کنند.

نادری در بحث مربوط به مزایای به‌کارگیری مدل یادگیری مشارکتی به مواردی چون رشد عزت نفس دانش‌آموزان، تجارب یادگیری بیشتر، بهبود رضایت خاطر دانش‌آموزان، نگرش مثبت به مواد آموزشی، چالش‌برانگیزی بیشتر بدون نامعقول‌سازی میزان کار در مدت معین، فراهم‌سازی درک عمیق‌تر دانش‌آموزان و تولید بیشتر و بهتر سئوالات اشاره می‌کند [۱۹]. از سوی دیگر *قلتاش* معتقد است به دانش‌آموزان در دورشدن از این عادت که تنها معلم را به‌عنوان منبع دانش و فهمیدن کمک می‌نمایند [۲۰].

اسلاوین در سال ۱۹۹۱ درخصوص تکنیک‌های یادگیری مشارکتی از طریق آموختن با هم بیان می‌دارد که در جمع‌بندی از پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه یادگیری مشارکتی، هشت شیوه یادگیری مشارکتی مطرح است که در تازه‌ترین پژوهش‌ها به‌کار گرفته شده و اثربخشی خود را در دستاوردها نشان داده و مورد تایید قرار گرفته‌اند.

۱- گروه‌های پیشرفت تیمی دانش‌آموزان (STAD): در این شیوه دانش‌آموزان به گروه‌های که از ۴ تا ۵ تشکیل می‌شود، تقسیم

[Downloaded from edcbmj.ir on 2026-11-14]

می‌شوند. در این گروه‌ها دانش‌آموزان از لحاظ جنسیت، نژاد، زمینه‌های خانوادگی و فرهنگی و تجربیات قبلی و غیره متفاوت هستند. معلم ابتدا درس را ارایه می‌کند و بعد دانش‌آموزان در گروه‌ها به بررسی و مطالعه پیرامون موضوع می‌پردازند. در پایان دانش‌آموزان در آزمون‌های انفرادی شرکت نموده و سپس نمره‌های آزمون دانش‌آموزان با میانگین نمره‌های گذشته آنها مقایسه می‌شود و نمره نهایی براساس پیشرفت آن نسبت به عملکردهای گذشته آنها تعیین می‌شود. سپس نمره‌های فوق جمع‌بندی شده و نمره نهایی گروه را تشکیل می‌دهند. گروه‌هایی که تا سطح خاصی از معیارهای پیشرفت تعیین‌شده ارتقا یابند، به دریافت پاداش یا گواهینامه و غیره نایل می‌آیند. همه فرآیند فوق، از زمان ارایه درس توسط معلم تا کارهای گروهی و شرکت در آزمون، معمولاً در سه الی پنج جلسه درس انجام می‌شود [۲۱].

۲- روش مسابقه تیمی یا رقابت و مسابقه تیمی (TGT): در این روش، روش تدریس معلم و کارگروهی کاملاً شبیه روش قبلی است، ولی تفاوت آنها در این است که دانش‌آموزان به جای شرکت در آزمون، در مسابقات هفتگی شرکت می‌کنند. در این مسابقات دانش‌آموزان هر تیم، به‌منظور کسب امتیاز برای تیم خود، با دانش‌آموزان تیم‌های دیگر که دارای سوابق تحصیلی مشابه هستند، در گروه‌های سه‌نفره به رقابت می‌پردازند. به‌منظور عادلانه‌بودن رقابت‌ها، ترکیب گروه‌های سه‌نفره‌ای که در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند، به تناوب تغییر می‌کند. نمره‌هایی که هر برنده برای تیم خود کسب می‌کند، بدون توجه به سطحی که در آن به رقابت پرداخته است، محاسبه می‌شود.

۳- یادگیری انفرادی با یاری گرفتن از تیم (TAT): در این روش نیز تیم‌های چهارنفره از دانش‌آموزان که در سطوح کارآیی متفاوت هستند، تشکیل می‌شود و به تیم‌هایی که عملکرد مطلوب داشته باشند، گواهینامه اعطا می‌شود. با این حال تفاوت‌هایی میان این روش با روش‌های قبل به چشم می‌خورد. برای نمونه در دو روش پیشین، آموزش دانش‌آموزان به‌صورت جمعی و یکسان ارایه می‌شود، ولی در این روش، یادگیری مشارکتی با آموزش فردی درمی‌آمیزد. به‌علاوه دو روش قبلی برای تدریس بسیاری از موضوع‌ها و در اغلب پایه‌ها مناسب هستند، در صورتی که روش فوق مختص آموزش ریاضیات در پایه‌های سوم تا ششم (یا دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر) طراحی شده است.

۴- قرائت و نگارش تلفیقی مشارکتی (CIRC): این روش که در حقیقت برنامه‌ای جامع برای آموزش قرائت و نگارش در سال‌های آخر دوره ابتدایی است، جدیدترین شیوه یادگیری مشارکتی به شمار می‌رود. در این روش، معلمان به شیوه برنامه‌های سنتی، از تشکیل گروه‌های قرائت استفاده می‌کنند و دانش‌آموزان را به تیم‌های مختلف که از دو جفت دانش‌آموز تشکیل شده است، تقسیم می‌کنند. هنگامی که معلم به آموزش یکی از تیم‌ها اشتغال دارد، تیم‌های دیگر به یک سلسله فعالیت‌های شناختی، نظیر قرائت در حضور همدیگر، بحث در مورد چگونگی نگارش یک داستان، خلاصه‌کردن داستان، املای کلمه‌ها و لغت‌معنی مشغول می‌شوند، در صورتی که تقسیم کلاس به گروه‌های قرائت همگن نباشد، همه دانش‌آموزان کلاس به منزله یک تیم واحد در جریان یادگیری با یکدیگر مشارکت می‌کنند. در طول ساعت‌های تدریس زبان، دانش‌آموزان به فعالیت‌هایی از قبیل نگارش، اصلاح و ویراستاری آثار یکدیگر و تهیه مقدمات انتشار کتاب از سوی تیم مشغول می‌شوند. در اکثر فعالیت‌های روش مذکور، دانش‌آموزان درس را که معلم ارایه کرده است و به‌صورت تیمی مطالعه کرده و تمرین‌ها و آزمون‌های مربوط به آن را نیز به‌صورت تیمی انجام می‌دهند.

۵- تقسیم موضوع به بخش‌های مختلف (روش یادگیری مشارکتی جیگ‌ساو I): این روش ابتدا به‌وسیله *آرونسن* و همکاران [۲۲] در سال ۱۹۷۸ میلادی طراحی شد. در این روش دانش‌آموزان برای کارکردن روی موضوع درسی که به بخش‌های مختلف تقسیم شده است، تیم‌های ۶نفره تشکیل می‌دهند. برای مثال یک زندگینامه را می‌توان به بخش‌های گوناگون از قبیل سال‌های نخست زندگی، نخستین موفقیت‌ها، مسایل مهم، باقیمانده سال‌های عمر و نقش شخص مورد نظر در تاریخ زندگی وی را تقسیم کرد. در این روش هریک از اعضا به مطالعه بخش ویژه خود می‌پردازد، سپس اعضای تیم‌های مختلف که بخش‌های مشترکی را مطالعه کرده‌اند، به‌منظور بحث و بررسی پیرامون مطالب مذکور یک گروه تخصصی تشکیل می‌دهند. پس از آن هریک به تیم خود باز می‌گردند و به‌منظور آموزش بخش خود به اعضای تیم در نوبت قرار می‌گیرند.

۶- تقسیم موضوع به بخش‌های مشترک (روش یادگیری مشارکتی جیگ‌ساو II): این روش طرح اصلاح‌شده‌ی روش قبلی جیگ‌ساو I است که *اسلاوین* در سال ۱۹۸۶ آن را ارایه کرد و در برنامه یادگیری دانش‌آموزان گنجانید. در این شیوه دانش‌آموزان به شیوه گروه‌های پیشرفته تیمی و رقابت و مسابقه تیمی در گروه‌های ۴ الی ۵ نفره به کار مشغول می‌شوند. در این روش به جای تقسیم موضوع به بخش‌های مختلف، کلیه دانش‌آموزان یک مطالب مشترک نظیر یک فصل از کتاب یا یک داستان کوتاه یا یک زندگینامه را مطالعه می‌کنند. در عین حال از هر دانش‌آموز خواسته می‌شود تا در مورد یکی از عناوین مطلب مورد نظر مطالعه عمیق به عمل آورد. آن دسته از دانش‌آموزانی که در مورد یک عنوان مشترک مطالعه کرده‌اند، به‌منظور بحث و بررسی پیرامون آن گرد هم جمع می‌شوند و گروه‌های تخصصی تشکیل می‌دهند و سپس به‌منظور تدریس آموخته‌های خود به اعضای دیگر، به تیم‌های خود باز می‌گردند، در آخرین مرحله هریک از دانش‌آموزان در آزمون‌های انفرادی شرکت می‌کنند، نمره‌های این آزمون‌ها، براساس سیستم محاسبه نمره‌ها در روش گروه‌های پیشرفت تیمی تعیین می‌شود. گروه‌هایی که حد نصاب نمره را کسب کرده باشند موفق به اخذ گواهینامه می‌شوند.

[Downloaded from edcbmj.ir on 2026-11-14]

۷- روش آموختن با هم: این شیوه را *جانسون* و *جانسون* در سال ۱۹۸۷ ابداع نموده‌اند. در این روش دانش‌آموزان از طریق آموختن با هم در گروه‌های ناهمگن ۴ تا ۵ نفر مشغول انجام تکالیف خود می‌شوند. نتایج کار گروهی روی یک ورقه منعکس می‌شود و مبنای دریافت نمره یا پاداش گروهی، همین کار مشترک است. محور اصلی موفقیت در این روش، یادگیری مشارکتی، فعالیت‌های درون‌گروهی مشترک و تشکیل جلسه‌های مباحثه منظم درباره چگونگی بهتر انجام دادن یک کار گروهی است. *شکاری* و همکاران تحقیقی پیرامون روش آموختن با هم، روی فراگیران زبان انگلیسی با روش نیمه‌تجربی انجام داده‌اند، نشان می‌دهد روش از طریق آموختن با هم یا آموختن با هم نسبت به روش‌های حفظی، سخنرانی و غیره بر یادگیری و آموزش زبان خارجی تاثیر عمیق‌تری دارد [۲۳].

۸- روش پژوهش گروهی: این روش به‌وسیله *شلوموشاران* و *بیل‌شاران* در دانشگاه تلاویو طراحی شد. این روش در اصل یک طرح عمومی اداره کلاس درس است که بر طبق آن دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک، با استفاده از روش‌های پژوهش مشارکتی، بحث‌های گروهی و برنامه‌ریزی مشارکت فعالیت می‌کنند. در این روش دانش‌آموزان به گروه‌های ۲ تا ۶ نفر تقسیم می‌شوند. پس از انتخاب عنوان مورد مطالعه، هر گروه آن را به بخش‌های کوچک‌تر تقسیم می‌کند و هر بخش را یکی از اعضا مطالعه می‌کند، در آخرین مرحله هریک از گروه‌ها مجموع آموخته‌ها و یافته‌های خود را به‌صورت یک کار گروهی به بقیه کلاس ارایه می‌دهند. پژوهش حاضر به‌منظور بررسی دقیق‌تر تاثیر یادگیری مشارکتی از طریق آموختن با هم بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان، طراحی و اجرا شد.

روش‌ها

این مطالعه شبه‌تجربی با روش پیمایشی در جامعه دانش‌آموزان پسر پایه دوم دبیرستان‌های شهر کاشان که در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ مشغول به تحصیل بودند انجام شد. مدارس متوسطه غیرانتفاعی و شاهد مشمول طرح نبودند. از میان ۳۲ مدرسه متوسطه دولتی پسرانه و ۱۸۰ کلاس پایه دوم (در مجموع ۵۰۶۴ نفر)، ۲ کلاس به عنوان نمونه آماری مجموعاً متشکل از ۵۰ دانش‌آموز پایه دوم دبیرستان به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. یک کلاس شامل ۲۵ دانش‌آموز به‌عنوان گروه آزمایش به‌مدت ۱۶ جلسه با روش یادگیری مشارکتی آموزش دیدند. درحالی‌که کلاس دیگر با ۲۵ دانش‌آموز به‌عنوان گروه کنترل همچنان با روش‌های سنتی و غیرفعال آموزش دیدند. پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری از هر دو گروه به‌عمل آمد. پیش‌آزمون قبل از اعمال متغیرهای مداخله و پس‌آزمون پس از اعمال آزمایشی و پیگیری نیز ۴۵ روز پس از اعمال مداخلات، انجام شد.

برای جمع‌آوری داده از آزمون رشد مهارت‌های اجتماعی ماتسون استفاده شد. این پرسش‌نامه شامل ۵۶ سئوال است که مهارت‌های اجتماعی مورد نظر این پژوهش را مورد سنجش قرار می‌دهند. دامنه‌های نمرات آزمودنی‌ها با مقیاس لیکرت شاخص‌های ۵درجه‌ای از "هرگز" با نمره ۱ تا "همیشه" با نمره ۵ و نیز ۵ مقیاس فرعی از جمله مهارت‌های اجتماعی مناسب تا عامل حسادت/گوشه‌گیری یا انزواطلبی محاسبه شده است. یوسفی و خیر [۲۴] روایی افتراقی و پایایی مقیاس مهارت‌های اجتماعی را برای مطالعات روان‌سنجی قابل‌قبول ارزیابی می‌کنند. ماتسون و همکاران برای بررسی پایایی مقیاس مهارت‌های اجتماعی از ضریب آلفای کرونباخ و تنصیف استفاده کردند. مقدار ضریب آلفای کرونباخ و تنصیف به‌دست‌آمده برای کل مقیاس یکسان و برابر ۸۶٪ بود.

در تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی (میانگین نمرات و انحراف‌معیار استاندارد) و روش‌های آمار استنباطی (آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر) مبتنی بر نرم‌افزار SPSS 16 استفاده شد.

نتایج

میانگین نمرات گروه آزمایش تفاوت معنی‌داری بین پس‌آزمون و پیگیری با پیش‌آزمون (p=۰/۰۰۰۱) و همچنین با گروه کنترل (p=۰/۰۰۰۱) نشان داد (جدول ۱).

جدول ۱) میانگین نمرات مهارت‌های اجتماعی گروه آزمایش و کنترل در پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری

مرحله← / گروه↓	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	پیگیری
آزمایش	۵۲/۴۰±۱۱/۳۱	۷۰/۸۶±۱۱/۶۸	۷۳/۲۱±۱۲/۴۰
کنترل	۵۱/۸۹±۱۱/۰۴	۵۲/۱۲±۱۱/۱۰	۵۱/۷۵±۱۱/۰۲

جدول ۲) جدول بررسی معنی‌داری تفاوت بین‌گروهی و درون‌گروهی گروه آزمایش و کنترل در متغیرهای مختلف (در همه موارد p=۰/۰۰۰۱)

آماره← / متغیر↓	منبع تغییرات	مجموع مجذورات نوع III	درجه آزادی	مجذور میانگین	F
مهارت‌های اجتماعی مناسب	درون‌گروهی	۴۳۸۱۱۱/۶۱	۱	۴۳۸۱۱۱/۶۱	۱۳۳۵۰
	بین‌گروهی	۲۴۱۰/۸۱	۱	۲۴۱۰/۸۱	۷۳/۴۶
	خطا	۱۵۷۵/۰۸	۴۸	۳۲/۸۲	–
رفتارهای غیراجتماعی	درون‌گروهی	۱۷۶۴۸۴/۰۱۰	۱	۱۷۶۴۸۴/۰۱۰	۱/۵۸
	بین‌گروهی	۱۲۴۶/۹۰	۱	۱۲۴۶/۰۹۰	۱۱۱/۹۲
	خطا	۵۳۴/۴۰	۴۸	۱۱/۱۳۳	–
پرخاشگری و رفتارهای تکانشی	درون‌گروهی	۱۹۲۳۶۹/۹۶	۱	۱۹۲۳۶۹/۹۶	۱۶۱۷۰
	بین‌گروهی	۷۳۹/۸۴	۱	۷۳۹/۸۴	۶۲/۱۷
	خطا	۵۷۱/۲۰	۴۸	۱۱/۹۰	–
میزان غرور	درون‌گروهی	۳۳۲۶۹/۷۶	۱	۳۳۲۶۹/۷۶	۲/۴۳
	بین‌گروهی	۲۰۱/۶۴	۱	۲۰۱/۶۴	۱۴/۷۶
	خطا	۶۵۵/۶۰	۴۸	۱۳/۶۵۸	–
رابطه با همسالان	درون‌گروهی	۱۰۱۷۶۱	۱	۱۰۱۷۶۱	۵۶۹۷
	بین‌گروهی	۴۶۶/۵۶	۱	۴۶۶/۵۶	۲۶/۱۱
	خطا	۸۵۷/۴۴	۴۸	۱۷/۸۶۳	–

[Downloaded from edcbmj.ir on 2026-11-14]

بین گروه آزمایش و کنترل از نظر "مهارت‌های اجتماعی مناسب"، "رفتارهای غیراجتماعی"، "پرخاشگری و رفتارهای تکانشی"، "میزان غرور" و "رابطه با همسالان" تفاوت معنی‌دار وجود داشت (p=۰/۰۰۰۱؛ جدول ۲).

بحث

منظور از مهارت‌های اجتماعی در این پژوهش مولفه‌هایی چون مهارت‌های اجتماعی مناسب دانش‌آموزان، رفتارهای غیراجتماعی، پرخاشگری و رفتارهای تکانشی، میزان برتری‌طلبی و اطمینان زیاد به خود داشتن و میزان رابطه با همسالان (حسادت و گوشه‌گیری) که از طریق آزمون رشد مهارت‌های اجتماعی *ماتسون* مورد سنجش قرار می‌گیرد. به این ترتیب عامل اول شامل مهارت‌های اجتماعی مناسب است که رفتارهایی از قبیل داشتن ارتباط دیداری با دیگران که به قول *بازارگادی* برای کسانی که با شنیدن بهتر یاد می‌گیرند، استفاده از یادگیری مشارکتی مناسب است و مودب‌بودن، به‌کاربردن نام دیگران و اشتیاق به تعامل به طریق مفید و موثر را دربر می‌گیرد [۲۵]. عامل دوم جسارت نامناسب است که رفتارهایی مانند دروغ‌گفتن، کتک‌کاری، خورده‌گرفتن بر دیگران، ایجاد صدای ناهنجار و ناراحت‌کننده و زیرقول‌زدن را شامل می‌شود. عامل سوم تکان‌شی عمل‌کردن و سرکش‌بودن است که رفتارهایی از قبیل به آسانی عصبانی‌شدن یا یکدندگی و لجبازی را دربر دارد. عامل چهارم غرور است که دربردارنده رفتارهایی همانند به‌خودنازیدن و به دیگران پزدادن، تظاهر به دانستن همه چیز و خود را برتر از دیگران دیدن و نهایتاً عامل پنجم نیز حسادت– گوشه‌گیری و رابطه با همسالان است که دربردارنده تنهایی و حسادت و گوشه‌گیری است.

در این پژوهش، یادگیری مشارکتی برای عامل مربوط به مهارت‌های اجتماعی یعنی مهارت‌های اجتماعی مناسب، رفتارهای غیراجتماعی، پرخاشگری و رفتارهای تکانشی، میزان غرور، رابطه با همسالان مورد سنجش قرار گرفت. نتایج این مطالعه، بین تفاضل نمره‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمایش و کنترل از لحاظ مهارت‌های اجتماعی تفاوت معنی‌داری نشان داد که با عناصر یادگیری از طریق آموزش آموختن با هم فرآیند گروهی، مهارت‌های اجتماعی، مسئولیت فردی، تعامل پیش‌رونده و وابستگی مثبت درونی از مدل یادگیری مشارکتی جانسون و جانسون مطابقت دارد.

نتایج این مطالعه با نتایج به‌دست‌آمده از محققانی چون *گیلز* [۱۲]، *جانسون* [۱۶]، *اسلاوین* [۸]، *کوهن* [۲۶]، *قدرتی* [۲۷]، *قربانی* [۲۸]، *کرامتی* [۱۰]، *قلتاش* [۲۰]، *تاجیک* [۹] و غیره همخوانی دارد و همه تایید می‌کنند که یادگیری مشارکتی، زمینه مناسبی را برای رشد مهارت‌های اجتماعی و همدلی با دیگران به‌ویژه در محیط‌های آموزشی فراهم می‌سازد و رفتار مخل نظم را تا حدود زیادی کاهش می‌دهد، احساس مثبت شاگردان را نسبت به یکدیگر و نسبت به خود افزایش می‌دهد و نیز مسئولیت فرد را در قبال یادگیری خود، بیشتر می‌کند.

تحقیقات نشان داده‌اند که روش‌های تدریس غیرفعال و سخنرانی در پیشرفت تحصیلی، ایجاد تغییرات عاطفی، اجتماعی و اخلاقی دانش‌آموزان ناموفق شناخته شده است. به‌منظور افزایش توان یادگیری تحصیلی و آموزش برقراری ارتباط صحیح با دیگران و ارتقای دانش‌آموزان در تمام حیطه‌های شناختی، عاطفی و روانی استفاده از روش‌های فعال تدریس به‌ویژه تدریس مشارکتی به معلمان توصیه می‌شود. تحولات پیچیده و سریع در نظام‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دنیا، وظایف جدیدی را برای آموزش و پرورش به‌عنوان مهم‌ترین نهاد ایجاد تغییر و تحول به‌وجود آورده است. با تکیه بر شیوه‌های کهن و قدیمی واکنش‌پذیر نمی‌توان جوابگوی این ضروریات بود. بنابراین به معلمان و مربیان آموزشی، به‌کارگیری روش‌های تدریس فعال به‌عنوان یک راه حل برای برطرف‌کردن مشکلات آموزشی پیشنهاد می‌شود.

ایجاد انعطاف لازم در حین تدریس و تعامل و تماس شاگردان با هم که در روش‌های غیرفعال به حداقل می‌رسد، با استفاده از روش تدریس مشارکتی قابل وصول است. بنابراین به‌کارگیری این روش به‌منظور افزایش تعامل و تبادل اطلاعات و دانستنی‌های میان شاگردان، ضروری است. برای رسیدن به جامعه‌ای مطلوب که افراد آن بر سرنوشت خود حاکم باشند و با هم زیستن، مشارکت، مسئولیت‌پذیری و توسعه همه‌جانبه جامعه هدف اصلی باشد، باید در نهاد آموزش و پرورش تحولی ایجاد شود و این تحول با به‌کارگیری روش‌هایی که متضمن فعالیت و مشارکت یادگیرنده در آموزش است، امکان‌پذیر و عملی است. باید در معلمان انگیزه کافی برای استفاده از این روش‌ها ایجاد شود. به نظر می‌رسد بسیاری از معلمان به جهت عدم آگاهی از فواید این روش، آن را به‌کار نمی‌گیرند، بنابراین باید معلمان آموزش‌های لازم را در این زمینه ببینند و تیم آموزش و پرورش استفاده از این روش (مشارکتی) را مورد حمایت قرار دهد. کاربرد این روش توسط معلم مستلزم صبر و بردباری و دقت است. زیرا ماهیت این روش به گونه‌ای است که سروصدا بین دانش‌آموزان ایجاد می‌شود. بنابراین معلمانی که قصد دارند از این روش استفاده کنند، توصیه می‌شود که صبورانه عمل کنند و با صبر و حوصله فعالیت‌های دانش‌آموزان را هدایت کنند.

نتیجه‌گیری

بدین ترتیب نتایج تحقیق نشان می‌دهد که یادگیری مشارکتی باعث افزایش رشد مهارت‌های اجتماعی مناسب، کاهش پرخاشگری و رفتارهای تکانشی، کاهش میزان غرور و کاهش حسادت و گوشه‌گیری در دانش‌آموزان شد. بنابراین این پژوهش اثبات می‌کند که یادگیری مشارکتی باعث رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان می‌شود.

[Downloaded from edcbmj.ir on 2026-11-14]

منابع

1- Tiwari D. Encyclopedic dictionary of education. Delhi: Roshan Offset Printers; 2008.
2- Shafer G. Supporting self-directed learners and learning communities with sociotechnical environments. RPTEL. 2008;l1(1):1-27.
3- Whicher KM, Unnery JA. Cooperative learning in the classroom. J Educ Res. 2008;91(1):11-7.
4- Tileston DW. Best teaching practices. USA: Corwin Press; 2000.
5- Onwuebuzie A. Relationship between peer orientation and achievement cooperative learning-based research. J Educ Res. 2001;94(3):164-70.
6- Fazli Khani M. Collaborative learning and practical guide. Tehran: School Publication; 2001. [Persian]
7- Jonson D, Jonson RT. J Educ. Making cooperative learning work. Theor Pract. 1999;38(2):67-7.
8- Aslavyn R. Summarized the research on collaborative learning. Faghihi F, translator. J Educ. 1992;2:30. [Persian]
9- Tajik A. Compared the effects of cooperative learning and individual learning and achievement in scientific information memory third-grade students [dissertation]. Tehran: Azad University of Tehran; 2004. [Persian]
10- Karamati M. Studied the effect on the growth of collaborative learning social skills and mathematics achievement of fifth grade elementary students in Mashhad [dissertation]. Tehran: Trbiyat Modarres University; 2002. [Persian]
11- Shekarey A, Zare A, Elmieh L. The effects of giving and receiving grammar feedback on writing accuracy. Malaysia: Malaysian English Language Teaching Association; 2011.
12- Gilles M. The effective of cooperative learning on junior high school students during small group learning. Lincoln: University of Nebraska; 2003.
13- Shekarey A. Advanced methods of teaching senior school curriculum booklet. Tehran: Madrese Publication; 2008. [Persian]
14- Kart M. Social skills training to children, the translator's comments. 3rd ed. Tehran: Razavi Publication; 1996. [Persian]
15- Alice W. Understanding learning through collaboration and successful. Malekan A, translator. Tehran: Ney Publication; 2005. [Persian]
16- Jonson D, Jonson RT. Cooperative learning. Washington: College of Education and Human Development; 2001.
17- Hirest LA, Christy S. Effective language education practices and native language survival. Northern Arizona: Northern Arizona University; 2008.
18- Sharan Y. Cooperative learning for academic and social gains: Valued pedagogy, problematic practice. Eur J Educ. 2010;45(2):300-13.
19- Naderi E, Saif N. Research methods and evaluation of how the human sciences. Tehran: Tehran Office of Research and Publications; 2001. [Persian]
20- Qltash A. Effects of cooperative learning and social skills of male students in grade five elementary Korean [dissertation]. Tehran: Tarbiyat Moallem University; 2004. [Persian]
21- Fazli Khani M. Active teaching methods in breeding programs. Tehran: Deputy Farm, Harbinger Training Institute; 2001. [Persian]
22- Aronson E. The jigsaw classroom. Beverly: Sage Publications; 1987.
23- Shekarey A, Zaree A, Jalaly M. The effects of cooperative learning and group learning experiences on the development of social skills. Dokuz: Eylul University; 2009.
24- Yousefi F, Good M. Reliability and validity of measuring and comparing the performance of boys and girls social skills. Shiraz: Social Sciences and Humanities of Shiraz University; 2002. [Persian]
25- Pazargady M. Colleagues, learning styles and their application. J Educ Strategies. 2010;3(2):1-5. [Persian]
26- Cohen S, Willis T. Streets and social support and the buffering hypothesis. Psychol Bull. 1985;98:310-57.
27- Ghodraty M. Compared the effects of cooperative learning with individual learning in the memory, the understanding, analysis, assessment and information science faculty teach fifth grade students in Qom [dissertation]. Tehran: Allameh Tabatabai University; 2001. [Persian]
28- Ghorbani L. Compared the effects of cooperative learning with traditional learning on the academic achievement of English language teaching third grade students [dissertation]. Tehran: Allameh Tabatabaei University; 2001. [Persian]

[Downloaded from edcbmj.ir on 2026-11-14]